

# از نگاه دیگر



رسم «تهنیه» در ترکیه

زیارت در ادیان

معگزاری در سودان



اسرا دوغان

## رسم «تهنیه» در ترکیه

دولت عثمانی، در طول تاریخ حیات خود، حساسیت زیادی به مناطق مقدس داشته و برای انجام فریضه حج اهمیت بسیار قائل بوده است؛ همان طور که مسلمانان ترک زبان نیز برای انجام این امر، اشتیاقی وصف ناپذیر داشتند. این شوق و شور، در هیچ دوره‌ای از تاریخ، نه تنها کم نشده، که بیشتر هم شده است.

در خانواده‌های سنتی، تمایل به انجام مناسک حج و حاجی شدن، از انجام یک امر دینی فراتر است. حج برای حاجی اعتبار ایجاد می‌کند و این امر، بُعد فرهنگی قوی دارد و پاسخ‌گوی انتظارات گوناگون هر فردی است.

واجب شدن بهشت، برای کسی که کعبه را دیده و خاصیت و ویژگی شفا بخشی قائل شدن برای اشیای موجود در کعبه و این که ثواب انجام یک بار حج، برابر است

با ثواب ۷۰ سال عبادت و... در جامعه سنتی، ارزش‌های کمی نیست.

این امتیازات حج را به یک فریضه تبدیل می‌کند و یک مسلمان ترک، از این که علم خود را به این مراسم بیاورد کراهت ندارد. همچنین دو مقوله دین و سیاست با هم، در این مراسم آمیخته می‌شود و دین به سیاست می‌پیوندد.

حاجی، هنگام بازگشت از حج، حالت روحانی خاص را در خود احساس می‌کند خستگی و تحوّل روحی او نشان می‌دهد که سفر سختی را پشت سر گذاشته است. گویی با آن حال و روزش، به ما گوشزد می‌کند که «نا برده رنج، گنج میسر نمی‌شود».

آری، رفتارهای او بهتر می‌شود و شادابی بیشتری پیدا می‌کند. چهره اش با لبخند و بر تواضع اش افزوده می‌شود، تا جایی که اگر حتی بچه‌ها به زیارتش بیایند، برایشان می‌ایستد و آن‌ها را بدرقه می‌کند و حتی افراد ناشناسی را که به دیدنش آمده‌اند، در آغوش می‌گیرد و با او روبروسی می‌کند.

فریضه حج را مانند یک جشن برگزار می‌کنند. به دنبال این دید و بازدیدها، روابط مردم با یکدیگر بهتر می‌شود و از نو شکل قوی‌تری به خود می‌گیرد

حاجی با لئیک گفتن، در واقع دعوت خدا را اجابت می‌کند. سفر حج برای او، اولین سفرش به خارج از کشور است. در این سفر اشیای مقدس و جدید می‌بیند. وقتی باز می‌گردد، در محیط زندگی اش صاحب نفوذ می‌شود و بالأخره به خواست معنوی اش، که حاجی شدن است، می‌رسد.

حاجی، در سایه اعتباری که به دست آورده، محترم‌ترین فرد در روستا می‌شود. در اختلافات میان افراد، میانجی‌گری می‌کند و به عنوان داناترین فرد در محیط زندگی اش، مورد احترام واقع می‌شود. داد و ستد را کنار می‌گذارد و در سیاست، پست و مقامی نمی‌گیرد. امور دنیوی او را مجذوب خود نمی‌کند. همه همّتش را صرف امور معنوی و سرای آخرت می‌کند. البته باید پذیرفت که گاهی از طرف بعضی حاجی‌ها عنوان «حاجی» مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد.

قبل از انقلاب، وقتی مردم ترکیه از حج بر می‌گشتند، روی کلاهشان به عنوان نشانه حاجی بودن عمامه می‌بستند و عباي مخصوص شامی می‌پوشیدند و دیگر ریش خود را نمی‌تراشیدند. (معمولاً کسانی که ریش دارند، به حاجی ملقب می‌شوند). مردم ترکیه ضرب المثلی دارند



جنگ جهانی دوم، و نیز جنگ اعراب و اسرائیل، تعداد کسانی که به حج می‌رفتند کاهش یافت. بنابراین، همان افراد اندک هم که توفیق سفر می‌یافتند، در استقبال از آنها، هنگام بازگشت، مبالغه و زیاده‌روی می‌شد.

گاهی سفر حج ۳ یا ۴ و یا حتی ۶ ماه به طول می‌انجامید. از همین رو، هنگام بازگشت حاجی، از وی با اشتیاق و با شکوه استقبال می‌شد. برای همین وضعیت، ضرب المثلی نیز در ترکیه بر سر زبان‌ها است که: «منتظر است، مثل انتظار حاجی».

### تهنیه در شهر

در روزگاران گذشته، استقبال از حاجی با مراسم تهنیه انجام می‌شد و این در ترکیه یک سنت بود. واژه «تهنیه» یعنی استقبال و جشن و شادی در خوش آمدگویی.

گفتنی است، پیش از آن که حاجی سفر مکه را آغاز کند، خویشاوندان برایش صندوقی می‌خریدند و آن را رنگ سبز می‌زدند و در روز حرکت، وسایل مهم او را که پوشاک باشد، داخل صندوق می‌گذارند. و از این زمان به کسی که عازم سفر بود، «حاجی افندی» می‌گفتند. هنگام حرکت، صندوق پیشاپیش به

که می‌گوید. «هر ریش‌داری که حاجی نمی‌شود» و هنوز هم می‌بینیم که بعضی از افراد، وقتی از حج بر می‌گردند، باز هم از دروغ و گناهان توبه نمی‌کنند

از آنجا که در گذشته‌های دور، مردم با شتر و اسب به حج می‌رفتند، ماه‌ها طول می‌کشید تا بازگردند و بعضی از آن‌ها هرگز باز نمی‌گشتند؛ برای همین، کسانی که به حج می‌رفتند از فامیل و دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبیدند؛ چون امکان باز نگشتن وجود داشت.

آنان برای رفتن به حج، نه تنها از کسی پول قرض نمی‌گرفتند، بلکه کسی که عازم حج بود، پیش از رفتن، همه دیون و بدهی‌های خود را می‌پرداخت و به اندازه روزهایی که در سفر بود، همه احتیاجات و نیازهای خانواده‌اش را فراهم می‌کرد و آنان را به یکی از نزدیکانش می‌سپرد. در ترکیه زنان نمی‌توانستند بدون محرم به حج بروند.

بعد از این سفر معنوی، بر احترام و اعتبار حاجیان در میان مردم افزوده می‌شد و برای حاجی، که این عنوان با سختی به دست می‌آورد، بعد از بازگشت از سفر، جشنی به پا می‌کردند.

در سال‌هایی که دولت ترکیه تأسیس شد؛ یعنی ۱۹۴۰، به خاطر همزمانی آن با

حرکت در می آمد.

برای او قاورمه هم حاضر می کردند. قاورمه گوشتی بود که سرخ می کردند تا حاجی در طول سفر از آن استفاده کند. خویشاوندان بدرقه اش می کردند. هر کدام از آن ها برای حاجی، آجیل و نیز حوله های کوچک برای نظافت هدیه می آوردند.

اگر مادر زن داشت، برای او روسری، با حاشیه های تزیین شده تهیه می کردند. روزی که حاجی به خانه بر می گشت، در وسط اتاق میزی را قرار می دادند و بر روی آن، روغنی را که حاجی از حج آورده بود و نیز ظرفی را برای ریختن آب زمزم می گذاشتند.

غذاهای گوناگون می پختند و به

خویشاوندان و همسایگان انگشترهای رنگارنگ هدیه می دادند و همه با هم، برای استقبال، به سوی کشتی می رفتند.

وقتی افندی به سرش چفیه و به دوشش عبا می انداخت، در او تحولی ایجاد می شد و آنگاه که خویشاوندان با وی رو به

رو می شدند، همگی کتف راست و سپس چپ او را می بوسیدند.

خویشاوندان درجه اول، دست حاجی را گرفته و در پیشاپیش جمعیت راه می رفتند و مردم با آهستگی و هماهنگی، پیاده و الله اکبر گویان، او را به خانه می آوردند. کسانی هم که توان رفتن به استقبال نداشتند، در خانه اجتماع کرده به انتظار می نشستند. افندی بسم الله گویان



در روزها و ایامی که حاجی در سفر بود، همسرش در خانه انتظارش را می کشید. او نه به میهمانی می رفت و نه در شادی های بیرون از خانه شرکت می کرد. یک ماه پیش از برگشتن حاجی در خانه اش را بارنگ سبز رنگ آمیزی می کردند. به همه اتاق ها رنگ سبز می زدند. برای زن، مادر زن و دختر حاجی لباس مخصوص با رنگ سبز می دوختند.



داخل خانه می‌شد و به اتاق سبزی که  
برایش آماده شده بود، می‌رفت. استقبال  
کنندگان پیرامونش جمع می‌شدند، یکی  
از دو نفری که کنار میز نشسته بود، به  
میهمانان آب زمزم می‌داد و دیگری ظرف  
کوچک فلزی را که حاوی روغن بود، بر  
آنان تعارف می‌کرد.



در روزگاران گذشته، استقبال از حاجی  
با مراسم تهنیه انجام می‌شد و این در  
ترکیه یک سنت بود. واژه «تهنیه»  
یعنی استقبال و جشن و شادی در  
خوش آمدگویی.



در قسمت خانم‌ها نیز قضیه به همین شکل  
است. دو خانم، با لباس‌های سبز، خود را  
زینت می‌دهند و تاج به سر می‌گذارند. به  
همین شکل به میهمانان تعارف می‌کنند.  
بعد از سلام و احوال‌پرسی، میهمان‌ها برای  
نهار دعوت می‌شوند، بعد از غذا شربتی به  
میهمانان داده می‌شود به نام «خوش آب»  
(نوعی کمپوت است که با آب و شکر  
و کشمش می‌سازند) از سفره‌های ترکان  
کم نمی‌شود، با این تفاوت که داخل آن  
راحة الحلقوم و فندقی که به مناسبت  
آمدن حاجی اضافه شده، می‌ریزند.

حاجی افندی برای میهمانان هدایایی  
چون آب زمزم، حنا، سرمه، حلقه‌های  
عقیق، تسیح عقیق، مسواک، حلقه‌های  
نقره‌ای که به آنان حلقه یا صبور می‌گویند  
می‌آورد.

تا شب، قهوه و شربت و سیگار به  
میهمانان تعارف می‌شود.

از قهوه‌خانه‌های قلیان‌هایی می‌آورند. آجیل

مخصوصی که به «آجیل حاجی» معروف است نیز تعارف می کنند.

حاجی ماجراهای سفرش را برای میهمانان می گوید. سفر کردن با شتر، گفتن لَبیک در عرفات، سفر به شهر طائف و... را از اول تا آخر تعریف می کند

آنهايي که سخنان حاجی را می شنوند، همه یکباره می گویند خدا نصیب ما هم بکند.

زن حاجی با ناز و وقار کنار حاجی می نشیند و او را می بوسد.

در همه شهرهای آناتولی، به خصوص در بورسه، واژه «تهنیه» استفاده می شود. در آناتولی استقبال حاجی شکل های گوناگون دارد، ولی در بورسه، پایتخت قدیم عثمانی ها، در کنار آداب و رسوم گوناگونی که بود، رسم زیبایی نیز نسبت به بقیه رسم ها وجود داشت، که به آن اشاره می کنیم:

خویشاوندان مرد در ۲ یا ۳ کیلومتری به استقبال حاجی می رفتند.

به کسانی که به استقبال می رفتند، از طرف خانواده حاجی خلعت هایی به نام «چفیه» داده می شد که آن را به گردن می پیچیدند و بعد از آن، به عنوان یادگاری نگه می داشتند. این چفیه ها، بعدها، در قرن ۱۸ و ۱۹ که مردم عثمانی کلاه قرمزی به

سر می گذاشتند، دور آن پیچیده می شد. مردها پیاده و زن ها به وسیله گاری به خانه بر می گشتند. حاجی به جای این که مستقیم به خانه خود برود، به خانه همسایه می رفت. در جای مخصوصی که برایش آماده شده بود، می نشست. به بالش های مخصوصی تکیه می داد و روی دیوار قالی های ابریشم مخصوص، که نمودار تصاویر مکه و مدینه بود، برای او نصب می کردند.

استقبال کنندگان و میهمانان کف دست حاجی را می بوسیدند. سپس مدتی سکوت حاکم می شد و حاجی گزارش سفرش را برای همه بیان می کرد. مهمترین حادثه و ویژگی تهنیه این بود که جشن سه روزه ای برای میهمانان زن به پا می شد. زن ها و دخترهای محله، از چندین روز قبل خود را برای این جشن آماده می کردند.

صاحب خانه از همسایه و دوستانش ملافه های اطلس و ابریشم آراسته و پارچه های مخمل مزین، رومیزی برای تزئین دیوار و سقف های خانه قرض می گرفت و خانه به این شکل تزئین می گردید.

میزها و مبلمان خانه، با پارچه های اطلس و زرین پوشیده می شد. دختران دم بخت،



پسر خود می‌پسندیدند. از همین رو، در این روزها، نه تنها برای تبریک و زیارت قبولی به حاجی، بلکه برای انتخاب دختر هم به آن خانه می‌آمدند. دخترها هم از این قضیه آگاه بودند و انگیزه بیشتری برای حضور در خانه حاجی داشتند.

در اثنای این دیدار، شیرینی‌ای به نام «عاشوره» این شیرینی در اصل یک شیرینی نذری است که مردم ترکیه در روزهای محرم برای یادآوری شهادت امام حسین میان مردم پخش می‌کنند. که با دیگ‌های بزرگ پیشتر آماده شده، به آن‌ها داده می‌شود. این پذیرایی برای حاجیه خانم افندی هم به همین شکل بود.

### تهنیه در روستا

تدارکات حج، قبل از رفتن حاجی و یک ماه مانده به عید قربان آغاز می‌شد. ابتدا نزدیکان حاجی در روستا، حاجی را به نوبت، برای صرف غذا دعوت می‌کردند، سپس نوبت به دعوت همسایگان می‌رسید. در هر نوبت، عالم روستا هم حاضر می‌شد. بعد از غذا، همه به مسجد می‌آمدند و نمازی می‌خواندند. از این به بعد، موضوع گفتگوی اهالی روستا، حج سال قبل و حاجیان امسال بود. حاجی در روز بدرقه تمام کسانی را که احتمالاً به

روز اول تهنیه لباس‌های سنتی به نام کافتان و لباس‌های عروسی اطلسی می‌پوشیدند و بر سرشان تاج عروسی می‌گذاشتند. از میهمانان پذیرایی می‌کردند. ظروف ساخت هندوستان، حاوی آب زمزم، سینی خرما، سرمه‌دان، گلابدان، کاسه‌ای پر از انگشتر نقره، جعبه‌ای پر از پنبه برای عطر گل، که از حج آمده، یک آینه برای کشیدن سرمه، از قبل روی میز حاضر می‌شد.

دختران، روز دوم نیز لباس‌های مخملی و عروسی می‌پوشیدند. گردن‌بندهای طلائی از قرن ۱۹-۱۸ مزین با الماس بر گردن می‌آویختند.

حاجی در آغاز ورود، ابتدا به زیارت کسی می‌رود که از میان از حج‌رفتها آخرین نفر است. این عمل به معنای به رسمیت شناختن مقام برتر حاجی قبلی است.

روز سوم تهنیه، دخترها لباس‌های سبز رنگی به تن می‌کنند که خودشان دوخته‌اند و روسری‌هایی به سر می‌کنند که حاشیه‌هایش گلدوزی شده است. این مراسم نقش مهمی در جامعه آن روزگار ایفا می‌کرد. زنان دارای پسر جوان، در خانه حاجی، دختران دم‌بخت را - که لباس‌های آراسته پوشیده بودند - برای





بدرقه‌اش می‌آمدند، برای صرف غذا دعوت می‌کرد. دعوت شدگان دور و غیر فامیل در صورتی که عالم و آخوندشان را همراه داشتند، به صورت گروهی وارد خانه حاجی می‌شدند. به خاطر زیاد بودن تعداد دعوت شدگان، بسیاری از آن‌ها به خانه‌های همسایگان می‌رفتند. غذاهایی که روی سینی‌ها از خانه حاجی خارج می‌شد، در خانه‌های همسایه، در اختیار میهمانان قرار می‌گرفت. همه اهل روستا؛ چه در تهیه غذا و چه در پختن آن، به همدیگر کمک می‌کردند. بعد از غذا به مسجد می‌آمدند. مولودی گوش می‌کردند. شربت می‌نوشیدند. عطر می‌زدند و عود و عنبر می‌سوزاندند. سرود های دینی می‌خواندند و دعا می‌کردند. همه اهالی روستا در خرمن‌گاه (میدان) جمع می‌شدند، در آنجا با گروهی که از مسجد بیرون می‌آمدند، حلقه می‌زدند. حاجی سکه‌هایی که از قبل برای مراسم تهیه کرده بود، به طرف مردم می‌انداخت. بزرگ و کوچک همه دوست داشتند که حد اقل یک سکه را بگیرند. هر کس که از این سکه‌ها می‌گرفت، آن را - با این اعتقاد که سکه حج میمون و مبارک است - به کیسه پولش می‌دوخت. بعد از این ماجرای شیرین، حاجی ابتدا از پیر



حاجی در آغاز ورود، ابتدا به زیارت کسی می‌رود که از میان از حج رفتگان آخرین نفر است. این عمل به معنای به رسمیت شناختن مقام برتر حاجی قبلی است.



مردان حلالیت می‌طلبید. دست آن‌ها را می‌بوسید و سپس جوانان و بچه‌ها دست او را می‌بوسیدند. در جلوی شاهدان، او به همین شکل، از اهالی حلالیت می‌طلبید. دیگر نه به کسی بدهکار و نه از کسی طلب داشت.

وسيله‌ای که او را به فرودگاه می‌رساند، در بیرون ده منتظر می‌ماند، ولی حاجی هنوز کارش را تمام نکرده، به قبرستان می‌رفت و از مردگان هم اجازه می‌گرفت و فاتحه می‌خواند. به این صورت حاجی بدرقه می‌شد و در این میان به خانواده حاجی می‌گفتند: ان شاء الله به زودی بر می‌گردد.

او بعد از ۳۸ روز با نام «حاجی» باز می‌گشت. ماشینی که حاجی را سوار کرده بود، وقتی به روستا نزدیک می‌شد، مردم «مژده حاجی می‌آید» سر می‌دادند و راه بیرون روستا را برای استقبال از وی در پیش می‌گرفتند. اولین کسانی که به ماشین حاجی می‌رسیدند، او را در میان می‌گرفتند و به سمت روستا همراهی‌اش می‌کردند. زنان برای بوسیدن دست حاجی به طرف او هجوم می‌آوردند. اگر به خاطر ازدحام نمی‌توانستند دست حاجی را بگیرند، لباسش را می‌بوسیدند. دست راست حاجی به صورت باز و رو به حضار

بود تا آن‌ها ببوسند.

دست حاجی بعد از این دیگر مقدس بود؛ زیرا که آن دست بیت الله را لمس کرده است. حاجی که برای این سفر زحمات زیادی را تحمل کرده بود، چه بدنی خسته و کوفته، اما روحی آرام و شاد و چشمانی نمناک داشت.

### بازدید از حاجی

حاجی جدید روستا، از همه گناهانش پاک شده، شاد و خوشحال منتظر اهالی روستا بود. خانه‌اش را فقط برای رفتن به مسجد و گزاردن نماز و زیارت بزرگان ترک می‌کند و برای آن‌ها به نام شفا، آب زمزم می‌آورد. همه اهالی روستا برای دست بوسی می‌آمدند. او از همه اهالی ایستاده با تبسم استقبال می‌کرد و «زیارت قبول و نصیب شما» حرف‌هایی بود که میان دو طرف رد و بدل می‌شد. هدیه‌هایی که حاجی از مکه برای اهل روستا می‌آورد، بین آن‌ها پخش می‌شد. تسبیح، انگشتر، عرقچین و روسری، هدایایی بود که از مکه می‌آوردند. نگهداری این هدایا ثواب تلقی می‌شد. در این میان، پسر جوان آب زمزم و خرما در ظرف‌های مخصوص بر روی سینی برای میهمانان می‌آورد. هر کس آب زمزم

به دست گرفته، برمی‌خاست و روبه قبله می‌ایستاد و بعد از گفتن «بسم الله...» آنرا می‌نوشتید. به کسانی که از روستاهای دیگر می‌آمدند، نهار داده می‌شد؛ زیرا خوردن غذای حاجی ثواب داشت. روغنی که حاجی از مکه می‌آورد، در جعبه کوچک فلزی نگاه داشته میشد، حاجی جعبه را از جیش بیرون می‌آورد و به سمت افراد تعارف می‌کرد. فردِ مقابل، از سوراخ کوچک روی جعبه، با انگشت روغن بر می‌داشت و به محاسن خود می‌مالید.

بر بالای درِ حاجی عَلَم نصب می‌شد تا افرادی که از خارج روستا می‌آیند، بتوانند به راحتی خانه حاجی را پیدا کنند.

گفتگو آغاز می‌شد و حاجیان قدیم از حاجی جدید امتحان می‌گرفتند؛ فلان جا رفتی؟، اسم آنجا چه بود؟ و... حجاج روستایی که از حج بر می‌گشتند، مدتی در مسجد روستا می‌ماندند و به مردمی که رفت و آمد به مسجد داشتند هدایایی می‌دادند.

### لطفیه معروف در مورد حج

یک روستایی ساده لوح فکر می‌کرد برای خریدن بوی عطر به حج می‌روند. روزی روستایی ساده‌ما نیز به حج رفت. هنگام گردش در بازارهای مکه، کنار

مغازه‌ای ایستاد و داشت نگاه می‌کرد. صاحب مغازه بیرون آمد و گفت: حاجی! عطر نمی‌خری؟ حاجی گفت:.. اگر عطر نمی‌خواستم، پس برای چه آمده‌ام امروزه فراهم شدن امکانات زیاد برای سفر حج، به این سفر شکل یک چهره عادی بخشیده و بسیاری از سنت‌های قدیمی از میان رفته است؛ از جمله فرهنگ تهنیه که امروز به خصوص، در شهرها جز نامی از آن باقی نمانده است.

